

Ährenlesen am Sabbat

¹Und es begab sich an einem Sabbat, dass er durch das Getreide ging; und seine Jünger rissen Ähren aus und aßen indem sie sie zerrieben mit den Händen.²Einige der Pharisäer aber sprachen zu ihnen: Warum tut ihr, was nicht erlaubt ist am Sabbat?³Und Jesus antwortete und sprach zu ihnen: Habt ihr nicht das gelesen, was David tat, als ihn hungerte und die mit ihm waren?⁴wie er hineinging zum Hause Gottes und die Schaubrote nahm und aß und auch denen gab, die mit ihm waren; die doch niemand essen durfte als allein die Priester?⁵Und er sprach zu ihnen: Der Menschensohn ist ein HERR auch über den Sabbat.

Jesus heilt am Sabbat einen Mann mit verdorrter Hand

⁶Es geschah aber an einem anderen Sabbat, dass er in die Synagoge ging und lehrte. Und es war da ein Mensch, dessen rechte Hand war verdorrt.⁷Aber die Schriftgelehrten und Pharisäer achteten darauf, ob er auch am Sabbat heilen würde, damit sie eine Anklage gegen ihn fänden.⁸Er aber merkte ihre Gedanken und sprach zu dem Menschen mit der dürren Hand: Steh auf und tritt hervor! Und er stand auf und trat vor.⁹Da sprach Jesus zu ihnen: Ich frage euch: Was ist erlaubt an einem Sabbat, Gutes zu tun oder Böses? Das Leben zu retten oder zu verderben?¹⁰Und er sah sie alle ringsum an und sprach zu dem Menschen: Strecke deine Hand aus! Und er tat es; da wurde seine Hand wieder zurechtgebracht, gesund wie die andere.¹¹Sie aber wurden ganz von Sinnen und beredeten

کار در روز سبت

¹و واقع شد در سَبْتِ دَوّمِ اوّلین که او از میان کشتزارها می‌گذشت و شاگردانش خوشه‌ها می‌چیدند و به کف مالیده می‌خوردند.²و بعضی از فریسیان بدیشان گفتند: چرا کاری می‌کنید که کردن آن در سَبْت جایز نیست؟³عیسی در جواب ایشان گفت: آیا نخوانده‌اید آنچه داود و رفقاییش کردند در وقتی که گرسنه بودند؟⁴که چگونه به خانه خدا درآمده، نان تقدّمه را گرفته بخورد و به رفقای خود نیز داد که خوردن آن جز به گهته روا نیست؟⁵پس بدیشان گفت: پسر انسان مالک روز سَبْت نیز هست.

عیسی شفا می‌کند را در روز سبت

⁶و در سَبْت دیگر به کنیسه درآمده تعلیم می‌داد و در آنجا مردی بود که دست راستش خشک بود.⁷و کاتبان و فریسیان چشم بر او می‌داشتند که شاید در سَبْت شفا دهد تا شکایتی بر او یابند.⁸او خیالات ایشان را درک نموده، بدان مرد دست خشک گفت: برخیز و در میان بایست! در حال برخاسته بایستاد.⁹عیسی بدیشان گفت: از شما چیزی می‌پرسم که در روز سَبْت کدام رواست، نیکویی کردن یا بدی؟ رهانیدن جان یا هلاک کردن؟¹⁰پس چشم خود را بر جمیع ایشان گردانیده، بدو گفت: دست خود را دراز کن! او چنان کرد و فوراً دستش مثل دست دیگر صحیح گشت.¹¹اما ایشان از حماقت پر گشته به یکدیگر می‌گفتند که با عیسی چه کنیم؟

انتخاب شاگردان دوازده توسط عیسی

¹²و در آن روزها بر فراز کوه برآمد تا عبادت کند و آن شب را در عبادت خدا به صبح آورد.¹³و چون روز شد، شاگردان خود را پیش طلبیده دوازده نفر از ایشان را انتخاب کرده، ایشان را نیز رسول خواند.¹⁴یعنی: شمعون که او را پطرس نیز نام نهاد و برادرش اندریاس، یعقوب و یوحنا، فیلیپس و برتولما،¹⁵مّتی و توما، یعقوب ابن خلفی و شمعون معروف به غیور.¹⁶یهودا برادر یعقوب و یهودای اسخریوطی که تسلیم کننده وی بود.

عیسی در خدمت مردم

¹⁷و با ایشان به زیر آمده، بر جای هموار بایستاد و جمعی از شاگردان وی و گروهی بسیار از قوم، از تمام یهودیه و اورشلیم و کناره دریای صور و صیدون

untereinander, was sie Jesus tun wollten.

Jesus beruft seine zwölf Jünger

¹²Es begab sich aber zu der Zeit, dass er auf einen Berg ging, um zu beten; und er blieb über Nacht im Gebet zu Gott.¹³ Und als es Tag wurde, rief er seine Jünger und erwählte zwölf von ihnen, die er auch Apostel nannte:¹⁴ Simon, den er auch Petrus nannte, und Andreas, seinen Bruder, Jakobus und Johannes, Philippus und Bartholomäus,¹⁵ Matthäus und Thomas, Jakobus, den Sohn des Alphäus, und Simon genannt der Zelot,¹⁶ Judas, der Sohn des Jakobus und Judas Iskariot, der zum Verräter wurde.

Jesus lehrt und heilt

¹⁷Und er ging mit ihnen hinab und trat auf einen ebenen Platz und eine große Schar seiner Jünger und eine große Menge des Volks von ganz Judäa und Jerusalem und dem am Meer gelegenen Tyrus und Sidon,¹⁸ die waren gekommen, um ihn zu hören und um von ihren Krankheiten geheilt zu werden; und die von unsauberen Geistern umgetrieben wurden, die wurden gesund.¹⁹ Und alles Volk begehrte ihn anzurühren; denn es ging Kraft von ihm aus und er heilte sie alle.

Die Bergpredigt

²⁰Und er hob seine Augen auf zu seinen Jüngern und sprach: Selig seid ihr Armen; denn das Reich Gottes ist euer.²¹ Selig seid ihr, die ihr hier hungert; denn ihr sollt satt werden. Selig seid ihr, die ihr hier weint; denn ihr werdet lachen.²² Selig seid ihr, wenn euch die Menschen hassen und euch aussondern und euch schmähen und euren Namen verwerfen als einen bösen um des Menschensohnes willen.²³ Freut euch an

آمدند تا کلام او را بشنوند و از امراض خود شفا یابند.¹⁸ و کسانی که از ارواح پلید معذب بودند، شفا یافتند¹⁹ و تمام آن گروه می‌خواستند او را لمس کنند زیرا قوّتی از وی صادر شده، همه را صحت می‌بخشید.

ستایش و نکوهش توسط عیسی

²⁰پس نظر خود را به شاگردان خویش افکنده، گفت: خوشبحال شما ای مساکین زیرا ملکوت خدا از آن شما است.²¹ خوشبحال شما که اکنون گرسنه‌اید، زیرا که سیر خواهید شد. خوشبحال شما که الحال گریانید، زیرا خواهید خندید.²² خوشبحال شما وقتی که مردم بخاطر پسر انسان از شما نفرت گیرند و شما را از خود جدا سازند و دشنام دهند و نام شما را مثل شریر بیرون کنند.²³ در آن روز شاد باشید و وجد نمایید زیرا اینک، اجر شما در آسمان عظیم می‌باشد، زیرا که به همین‌طور پدران ایشان با انبیا سلوک نمودند.²⁴ لیکن وای بر شما ای دولتمندان زیرا که تسلی خود را یافته‌اید.²⁵ وای بر شما ای سیرشدگان، زیرا گرسنه خواهید شد. وای بر شما که الآن خندانید زیرا که ماتم و گریه خواهید کرد.²⁶ وای بر شما وقتی که جمیع مردم شما را تحسین کنند، زیرا همچنین پدران ایشان با انبیای کذب کرده.

دشمنان را دوست بدار

²⁷لیکن ای شنوندگان شما را می‌گویم: دشمنان خود را دوست دارید و با کسانی که از شما نفرت کنند، احسان کنید.²⁸ و هر که شما را لعن کند، برای او برکت بطلبید و برای هر که با شما کینه دارد، دعای خیر کنید.²⁹ و هر که بر رخسار تو زرد، دیگری را نیز به سوی او بگردان و کسی که ردای تو را بگیرد، قبا را نیز از او مضایقه مکن.³⁰ هر که از تو سؤال کند بدو بده و هر که مال تو را گیرد از وی باز مخواه.³¹ و چنانکه می‌خواهید مردم با شما عمل کنند، شما نیز به همان‌طور با ایشان سلوک نمایید.³² زیرا اگر محبّان خود را محبّت نمایید، شما را چه فضیلت است؟ زیرا گناهکاران هم محبّان خود را محبّت می‌نمایند.³³ و اگر احسان کنید با هر که به شما احسان کند، چه فضیلت دارید؟ چونکه گناهکاران نیز چنین می‌کنند.³⁴ و اگر قرض دهید به آنانی که امید بازگرفتن از ایشان دارید، شما را چه فضیلت است؟ زیرا گناهکاران نیز به گناهکاران قرض

jenem Tag und springt vor Freude; denn siehe, euer Lohn ist groß im Himmel. Denn ebenso taten ihre Väter den Propheten auch.²⁴ Aber dagegen weh euch, Reichen! Denn ihr habt euren Trost bereits erhalten.²⁵ Weh euch, die ihr satt seid! Denn euch wird hungern. Weh euch, die ihr hier lacht! Denn ihr werdet weinen und heulen.²⁶ Weh euch, wenn alle Menschen gut von euch reden! Denn ebenso taten ihre Väter mit den falschen Propheten auch.

Von der Feindesliebe

²⁷Aber ich sage euch, die ihr zuhört: Liebt eure Feinde; tut wohl denen, die euch hassen;²⁸ segnet die, die euch verfluchen und bittet für die, die euch beleidigen.²⁹ Und wer dich auf eine Wange schlägt, dem biete die andere auch dar; und wer dir den Mantel nimmt, dem verwehre auch den Rock nicht.³⁰ Wer dich bittet, dem gib; und wer dir das deine nimmt, von dem fordere es nicht wieder.³¹ Und wie ihr wollt, dass euch die Leute tun sollen, so tut ihnen auch.³² Und wenn ihr liebt, die euch lieben, was für Gnade habt ihr dann? Denn die Sünder lieben auch diejenigen, die sie lieben.³³ Und wenn ihr euren Wohltätern wohl tut, was für Gnade habt ihr dann? Denn die Sünder tun das auch.³⁴ Und wenn ihr leiht, von denen ihr hoffet zu nehmen, was für Gnade habt ihr dann? Denn die Sünder leihen den Sündern auch, damit sie Gleiches wieder nehmen.³⁵ Vielmehr liebt eure Feinde; tut wohl und leiht, wo ihr nichts dafür zu bekommen hofft, so wird euer Lohn groß sein, und ihr werdet Kinder des Allerhöchsten sein; denn er ist

می‌دهند تا از ایشان عوض گیرند.³⁵ بلکه دشمنان خود را محبت نمایند و احسان کنید و بدون امید عوض، قرض دهید زیرا که اجر شما عظیم خواهد بود و پسران حضرت‌عالی خواهید بود چونکه او با ناسپاسان و بدکاران مهربان است.

قصص و درباره دیگران

³⁶پس رحیم باشید چنانکه پدر شما نیز رحیم است.³⁷ دآوری نکنید تا بر شما دآوری نشود و حکم نکنید تا بر شما حکم نشود و عفو کنید تا آمرزیده شوید.³⁸ بدهید تا به شما داده شود. زیرا پیمانۀ نیکوی افشردۀ و جنبانیدۀ و لبریز شدۀ را در دامن شما خواهند گذارد. زیرا که به همان پیمانهای که می‌پیمایید برای شما پیموده خواهد شد.

³⁹پس برای ایشان مَثَلی زد که: آیا می‌تواند کور، کور را راهنمایی کند؟ آیا هر دو در حفره‌ای نمی‌افتند؟⁴⁰ شاگرد از معلم خویش بهتر نیست لیکن هر که کامل شده باشد، مثل استاد خود بُوَد.⁴¹ و چرا خسی را که در چشم برادر تو است می‌بینی و چوبی را که در چشم خود داری نمی‌بینی؟⁴² و چگونه بتوانی برادر خود را گویی، ای برادر، اجازت ده تا خس را از چشم تو برآورم و چوبی را که در چشم خود داری نمی‌بینی؟ ای ریاکار، اوّل چوب را از چشم خود بیرون کن، آنگاه نیکو خواهی دید تا خس را از چشم برادر خود برآوری.

فضیلت قلب

⁴³زیرا هیچ درخت نیکو میوه بد بار نمی‌آورد و نه درخت بد، میوه نیکو آورد.⁴⁴ زیرا که هر درخت از میوه‌اش شناخته می‌شود. از خار انجیر را نمی‌یابند و از بوته، انگور را نمی‌چینند.⁴⁵ آدم نیکو از خزینۀ خوب دل خود، چیز نیکو برمی‌آورد و شخص شریر از خزینۀ بد دل خویش، چیز بد بیرون می‌آورد. زیرا که از زیادتی دل زبان سخن می‌گوید.

عاقل و نادان

⁴⁶و چون است که مرا، خداوند، خداوند، می‌گویید و آنچه می‌گویم به عمل نمی‌آورید؟⁴⁷ هر که نزد من آید و سخنان مرا شنود و آنها را بجا آورد، شما را نشان می‌دهم که به چه کسَمِ شابهت دارد.⁴⁸ مثل شخصی است که خانه‌ای می‌ساخت و زمین را کنده، گود نمود و بنیادش را بر سنگ نهاد. پس چون سیلاب آمد، سیل بر آن خانه زور آورد، نتوانست آن را جنبش دهد

gütig über die Undankbaren und Bösen.³⁶ Darum seid barmherzig, wie auch euer Vater barmherzig ist.

Vom Richten

³⁷ Richtet nicht, so werdet ihr auch nicht gerichtet. Verdammt nicht, so werdet ihr nicht verdammt. Vergebt, so wird euch vergeben.³⁸ Gebt, so wird euch gegeben. Ein volles, gedrücktes, gerütteltes und überfließendes Maß wird man in euren Schoß geben; denn eben mit dem Maß, mit dem ihr messt, wird man euch wieder messen.³⁹ Und er sagte ihnen ein Gleichnis: Kann auch ein Blinder einem Blinden den Weg weisen? Werden sie nicht alle beide in die Grube fallen?⁴⁰ Der Jünger ist nicht über seinem Meister; wenn der Jünger aber abgeschlossen hat, so ist er wie sein Meister.⁴¹ Was siehst du aber den Splitter im Auge deines Bruders, und den Balken in deinem Auge nimmst du nicht wahr?⁴² Oder wie kannst du sagen zu deinem Bruder: Halt still, Bruder, ich will den Splitter aus deinem Auge ziehen, und du siehst selbst nicht den Balken in deinem Auge? Du Heuchler, zieh zuerst den Balken aus deinem Auge und sieh dann zu, dass du den Splitter aus dem Auge deines Bruders ziehst!

Vom Baum und seinen Früchten

⁴³ Denn es ist kein guter Baum, der faule Frucht trägt, und kein fauler Baum, der gute Frucht trägt.⁴⁴ Denn jeder Baum wird an seiner eigenen Frucht erkannt. Denn man liest nicht Feigen von den Dornen, auch liest man nicht Trauben von den Hecken.⁴⁵ Ein guter Mensch bringt Gutes hervor aus dem guten Schatz seines Herzens; und ein böser Mensch bringt

زیرا که بر سنگ بنا شده بود.⁴⁹ لیکن هر که شنید و عمل نیاورد، مانند شخصی است که خانه‌ای بر روی زمین بی‌بنیاد بنا کرد که چون سیل بر آن صدمه زد، فوراً افتاد و خرابی آن خانه عظیم بود.

Böses hervor aus dem bösen Schatz seines Herzens. Denn wovon das Herz voll ist, davon geht der Mund über.⁴⁶ Was nennt ihr mich aber HERR, HERR, und tut nicht, was ich euch sage?

Das Haus auf dem Felsen

⁴⁷Jeder, der zu mir kommt und hört meine Rede und tut sie, den will ich euch zeigen, wem er gleicht.⁴⁸ Er gleicht einem Menschen, der ein Haus baute und grub tief und legte den Grund auf den Felsen. Als aber eine Wasserflut kam, da riss der Strom an dem Haus, und konnte es nicht bewegen; denn es war auf den Felsen gegründet.⁴⁹ Wer aber hört und nicht tut, der gleicht einem Menschen, der ein Haus baute auf die Erde ohne Grund; und der Strom riss an ihm, und es fiel sogleich zusammen, und der Einsturz des Hauses war groß.